



زنده نگاه داشتن غدیر، زنده نگاه داشتن اسلام است

مسئله‌ی امامت و مسئله‌ی ولایت و زنده نگاه داشتن غدیر، به یک معنا زنده نگاه داشتن اسلام است. مسئله فقط مسئله‌ی شیعه و معتقدین به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیست. اگر ما مردم شیعه و مدعی پیروی از امیرالمؤمنین حقیقت غدیر را درست تبیین کنیم، هم خودمان درک کنیم، هم به دیگران معرفی کنیم، خود مسئله‌ی غدیر میتواند وحدت آفرین باشد. بحث اعتقاد قلبی و اتصال یک نحله‌ی دینی و مذهبی به یک اصل اعتقادی، یک بحث است؛ شناخت مسئله، بحث دیگری است. اسلام عالی ترین مسئله در باب تشکیل جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی و دنیای اسلامی را در مسئله‌ی غدیر متجلی کرده است. ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

* ماجرای غدیر فقط نصب یک جانشین برای پیغمبر نبود. غدیر دو جنبه دارد: یکی جنبه‌ی نصب جانشین است. جنبه‌ی دیگر قضیه، توجه دادن به مسئله‌ی امامت است؛ امامت با همان معنایی که همه‌ی مسلمین از این کلمه و از این عنوان میفهمیدند. امامت یعنی پیشوایی انسانها، پیشوایی جامعه در امر دین و دنیا؛ این یکی از مسائل اصلی در طول تاریخ طولانی بشر بوده است. مسئله‌ی امامت، یک مسئله‌ی مخصوص مسلمانها یا مخصوص شیعیان نیست. امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه‌ای حکمرانی میکنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص میکنند. این یک مسئله‌ی همگانی است برای همه‌ی جوامع بشری. ۱۳۸۹/۰۹/۰۴

عید غدیر هم سنت ملی ماست؛ چون ملت ما دارای این عقیده و این محتوا و این هویت در ذهن خودش هست. یکی از کارهای دشمنان این است که ملتها را از هویت خالی کنند. البته این قضیه، داستان مفصلی است و با دو کلمه، نه میشود ابعادش را نشان داد و نه میشود خطرش را آنچنان که هست، گوشزد کرد. شما در محیط دانشجویی با این سیاست کلی که شناخته و ناشناخته و پیدا و پنهان وجود دارد، باید مبارزه کنید و مبانی ارزشی را - مبانی‌ای که حقیقتا تشکیل دهنده‌ی هویت ملت ایران است و میتواند آنها را پیش برد و صاحب همه چیز کند - حفظ کنید. ۱۳۸۲/۰۲/۰۸

- ✓ غدیر؛ هویت دینی شیعه را تثبیت می کند زهرا ابراهیمی
- ✓ اختلاف ها بر سر چیست؟ تفاوتها ناشی از کجاست؟ زهرا ابراهیمی
- ✓ از غدیر می آموزم... صفورا صیرفیان پور
- ✓ دلایل نادیده گرفتن بیعت بعد از واقعه غدیر زهرا باغبانان
- ✓ سکوت، فریاد حقیقت است زهرا صادقی
- ✓ غدیر و حکایت گری مظلومیت پیام آور رحمت ص آزاده ابراهیمی فخاری
- ✓ احوال دنیا در روز غدیر زهره نوروزی اصفهانی
- ✓ ندای آسمانی فریبا حقیقی
- ✓ غدیر، چشمه ی حیات مریم اسحاقیان
- ✓ پدر امت ریحانه علی عسکری

یادداشت

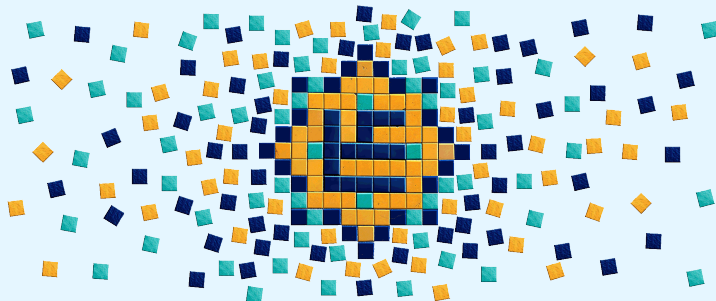
- ✓ مقصود از کلمه مولا در حدیث غدیر جواد حیدری
- ✓ غدیر عامل وحدت مهدی وزنه
- ✓ علل انکار غدیر بعد از نبی مکرم اسلام جواد حیدری
- ✓ شاهدان غدیر علی نعمتی
- ✓ شأن نزول آیه ابلاغ و آیه اکمال سید علی نورانی
- ✓ حدیث غدیر و شکایت جیش یمن علی نعمتی
- ✓ تواتر حدیث غدیر محمد کلهری
- ✓ تبیین واقعه ی غدیر محمد کلهری
- ✓ استناد ائمه معصومین علیهم السلام به غدیر سید علی نورانی
- ✓ احتجاج به واقعه غدیر محمد کلهری

پادکست

برای هدایت به هر صفحه بر روی نشانک کنار عنوان و برای بازگشت بر روی لوگو کلیک کنید.

غدیر؛ هویت دینی شیعه را تثبیت می کند

زهرا ابراهیمی



جامعه یعنی در دست گرفتن مدیریت آن جامعه، رهنمون می سازد.

تعیین حضرت علی علیه السلام از جانب پیامبر اسلام، با ویژگی های خاصی که ایشان در علم و تقوا و شجاعت و عدالت دارند، می تواند تبیین کننده ی معیارهای لازم برای منصب حاکمیت در جامعه باشد و همین ملاکها نیز می تواند معیاری مناسب برای تشخیص افراد صاحب صلاحیت در مراتب پایین تر نیز مورد استفاده قرار گیرد. حال با نگاه به این ملاکها و نیم نگاهی به ویژگی های مدیران و صاحب منصبان در جامعه و مقایسه ی این دو امر، اگر آرامش فکرمات بهم بریزد گاهی نکرده ایم!!!

آنچه فاصله ی ما را با آرامش و سعادت زیاد می کند، از دست دادن هویت دینی است و غدیر عاملی برای تثبیت این هویت است. اینک دشمنان مدام با موضوع غدیر و مساله ی ولایت در جامعه ی اسلامی مشکل دارند و لحظه ی کوتاهی دست از تلاش برای تخریب آن بر نمی دارند دقیقا به همین علت است که غدیرهویت دینی ما را نشان می دهد و جدا کردن یک امت از هویتش مساویست با حذف آن امت.

که مسلمان شیعی هرگز نسبت به اجتماع و آنچه در اجتماع روی می دهد بی تفاوت نخواهد بود. تمام جنجالها بر سر این است که دست مسلمان از مدیریت جامعه کوتاه گردد و مسلمان شیعی تنها در بُعد فردی اختیاردار عقیده و عمل خویش باشد و اجازه ی ورود در مسائل اجتماعی را نداشته باشد اما اعتقاد به مساله ی غدیر تکلیف ما را تا ابد نسبت به اجتماع روشن می سازد.

قطعا عقیده ای که تنها در پستوی خانه ها چطور زندگی کردن را آموزش دهد در عمل نیز به همانجا ختم خواهد شد، اما واقعه ی غدیر حقیقتیست که انسان را از فردیت خارج نموده و به اثرگذارترین امر در یک

جمله تعبیراتیست که برای این روز بزرگ بکار می رود خبر از میزان اهمیت و ارزش این امر می دهد. در واقع پذیرش غدیر به پذیرش این امر ختم می شود که جامعه برای رسیدن به سعادت، نیازمند امام و پیشواست و پذیرش نیاز به امام، یعنی پذیرش حکومتی اسلامی تا در سایه ی آن حکومت، آموزه ها و دستورات الهی قابل اجرا شوند چرا که نقش امام و پیشوا در جهت دهی به حرکت یک حکومت به سمت سعادت نقشی بی بدیل است.

اینکه شیعه همواره در طول تاریخ به مبارزه بر علیه ظلم بپا خاسته است و این مسیر را تا ظهور حضرت ولی عصر با همین حرارت ادامه خواهد داد نشان دهنده ی این است

بزرگترین عید خواندن غدیر، حقیقتا فلسفه ای دارد که اگر برای فهمش تلاش بیشتری نماییم قطعا نتایج با ارزشی عایدمان خواهد شد.

نه تنها وجود شیعه، که بقای اسلام درگرو زنده نگه داشتن غدیر است. اگرچه برخی ریشه ی تفاوت در نگاه شیعه و سنی را، تفاوت در تفسیر و تبیین واقعه ی غدیر می دانند، اما درک درست این واقعه و انتقال این درک صحیح به دیگران، خود می تواند وحدت آفرین باشد.

آنچه می تواند به بقای یک آیین و تثبیت یک عقیده کمک نماید این است که آن مساله از حوزه ی فردی خارج شده و تبدیل به یک آموزه ی اجتماعی شود. غدیر تنها اعتقاد فردی بر جانشینی یک شخص نیست، بلکه موضوعی اجتماعیست که تشکیل حکومت و جامعه ی اسلامی بر حول محور آن می چرخد.

آنچه ضامن احکام و قوانین اسلامی است، چه در مرحله ی قانونگذاری و چه در مرحله ی اجرا، وجود یک حکومت است و آنچه حکومت، دایر مدار بر آن است وجود حاکم و امام و پیشواست و آنچه ضامن وجود امام برای حکومت اسلامیست حقیقت غدیر است. عهد معهود و میثاق مأخوذ که از

اختلاف ها بر سر چیست؟ تفاوت ها ناشی از کجاست؟

زهرا ابراهیمی

واکنون آیا شاهد نیستیم که عمده روایات مربوط به غدیر، از مدارک اهل سنت نقل شده است؟

آیا دلایل و اسناد این واقعه ی بزرگ و مقدس در کتب مخالفین به وفور یافت نمی شود؟ انبوه جمعیت، آفتاب داغ و آن همه مقدمه چینی از جانب پیامبر، سوالی را در ذهن منکران غدیر به تصویر نمی کشد؟

چگونه عین حق را از حق محروم نمودند؟ مگر شما خلیفه ی خود را باور ندارید؟ مگر خود را مقید به گفته هایش نمی دانید؟ اگر کلام رسول خدا را فراموش کردید حرفی نیست اما لافاقل بر کلام خلیفه ی خود استوار بمانید آنجا که گفت:

لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ،

آری، غدیر دست زدیست بر تمام نسخه های جعلی صراط مستقیم.

غدیر نه یک منسکی ظاهری که تجلیگاه پیام رسالت و بستر اجرای فرهنگ نبویست.

غدیر ابتدای مسیر نظام سازی بر مبنای دین است.

بدان امید که غدیر را نه انتهای رسالت، که ابتدای مسیر زندگی بر مبنای تمدن اسلامی بدانیم.



هنوز جازه پیامبر بر روی زمین بود که تصمیم به تشکیل جلسه گرفتند. شاید احساس مسئولیت دست از سرشان بر نمی داشت!!!

شاید آنها تابع بودند. تابع کلام رسول!!! اما چرا از خود نپرسیدند خود پیامبر چه کسی را برای رهبری پیشنهاد داده است؟ چرا در آن مجلس هیچ کس از غدیر حرفی به میان نیاورد؟

یعنی به همین زودی نوای طنین انداز من کنت مولا فهدا علی مولا پیامبر را فراموش کردند؟

مگر نه این است که علی علیه السلام در میان امت اسلامی نخستین کسی بود که معارف الهی را از جانب پیامبر دریافت نمود؟ آیا تاریخ، شهادت نخواهد داد که بعد از معلم اول (پیغمبر اسلام)، کسی جز علی لایق دریافت عنوان معلم ثانی نبوده است؟ آیا طبق نص صریح قرآن، غدیر چکیده اتمام نعمت و اكمال رسالت خاتم رسولان معرفی نشد و ابلاغ نکردن آن، حکم ترک رسالت را نداشت؟

شاهدان غدیر را با فراموشی چه کار؟ مگر آنها سالها در رکاب پیامبر نجنبیده و مجروح نشده بودند؟ آنها که حتی از سرمایه های خویش در پیشبرد اهداف اسلام دریغ نورزیده بودند؟

چه چیز آنها را به فراموشی راضی نمود تا تنها هفتاد روز بعد از آن جریان، با انگیزه حذف غدیر از تاریخ، اتفاقات دیگری را رقم بزنند؟ سقیفه برپا شد.

بحث ها بالا گرفت. گفتگوها ادامه یافت. همه بر یک اصل وحدت داشتند و آن نیاز جامعه به رهبر بود. آنها به دنبال تبعیت از دستور رسولی بودند که همواره تاکید می کرد جامعه نباید حتی یک روز بدون رهبر بماند. به همین دلیل

شکستن اصنام جاهلی در فضای جاهلیت جز بدست علی علیه السلام بود؟ و آیا روایت انا اول من صدقه و انا اول من امن به و انا اول من اناب و سمع و اجاب، لم یسبقنی الا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) گواهی بر سبقه ی ایمانی او نیست؟ آنچه می تواند پای عقیده را بلرزاند دیاست. آیا مخالفان، شاهد سه طلاقه کردن دنیا توسط علی علیه السلام نبودند؟

چه کسی در تاریخ لحظه ای را که علی علیه السلام بعد از تقسیم بیت المال، مکان بیت المال را جارو می کرد و نماز شکر می خواند و زمین را بر عدالت ورزی اش شاهد می گرفت، ثبت نموده است؟

از غدیر می آموزم...

صفورا صیرفیان پور

وای بر شاهدان آن روز که با چشم خویش دیدند، با زبان خویش اقرار کردند، با دست خویش بیعت کردند اما به همه دیده ها و شنیده های خود پشت پا زدند. آنها فراموش کردند، اما درحافظه تاریخ فراموشی راه ندارد. تاریخ همه چیز را مو به مو به یاد خواهد داشت و به نسلهای آینده خواهد رساند.

تاریخ جریان دارد و تکرار می شود. پلیدان و کوردلان دست از تلاش برنداشته و پس از گذشت سالها و قرنها هنوز هم می خواهند من و تو، غدیر و علی(علیه السلام) را فراموش کنیم. آنها دست به دست هم داده و از تمامی امکاناتشان کمک گرفته اند تا حافظه تاریخی ما را پاک کنند. از یادمان ببرند که مسلمانیم، شیعه ایم و دل در گروی علی(علیه السلام) و فرزندانش داریم. زهی تصور باطل زهی خیال محال! چرا که غدیر به ظهور می پیوندد و منکران غدیر نه علی(علیه السلام) راه، که خود را انکار کرده و حضور خود را نادیده می گیرند.



شاهدان غدیر، در امتحان خود شکست خوردند. انگار اصلا آنجا نبوده و به پیامبر و وصی برحقش لبیک نگفته بودند. چگونه توانستند بر بزرگترین حقیقت تاریخ پرده افکنند و آن را زیر سایه تعصبات و دنیا طلبی خویش نادیده بگیرند؟ می گویند تاریخ، بزرگترین درس عبرت است. باید از غدیر و غدیریان آموخت. آموخت که ما آدمیان گاه چنان اسیر هوای نفسیم که حتی آنچه را هم که به چشم خود دیده ایم، براحتی انکار می کنیم.

(علیه السلام) نهاده بودند را از دستان او بیرون آورده و به دست دیگری سپارند؟ و چگونه توانستند پس از آن در چشمان مبارکش چشم دوزند؟ گویا شیطان بر قلبهایشان مہر غفلت زده و بر دیدگانشان پرده بی بصیرتی افکنده است. آری، نفس آدمی، گاه تا آنجا پیش می رود که می تواند حافظه او را نیز پاک کند. از یادش ببرد که روزی با علی(علیه السلام) دست بیعت داده بود و به پذیرش ولایتش سوگند خورده بود.

انسان سخت فراموشکار است و گاهی نیز براحتی خود را به فراموشی می زند. می گویند انسان به خواب رفته را می توان بیدار کرد، اما کسی که تظاهر به خوابیدن می کند با هیچ صدایی بیدار نمی شود. کسی که فراموش کرده را می توان به یادش آورد، اما برای کسی که خود را به فراموشی زده هیچ یادآورنده ای موثر نیست. از غدیر می آموزم که من نیز چون برخی خود را به فراموشی زنم.

می آموزم که اتمام حجت خدا و رسولش را به نسیان نسپارم. می آموزم که دائم با خود تجدید عهد و پیمان کنم تا یادم نرود چه دیده و چه شنیده ام. از غدیر می آموزم که چشمانم را خوب باز کنم و بدل را بجای اصل نگیرم. حق را وا ننهاده و راه باطل را پیش نگیرم. براستی شاهدان غدیر چگونه توانستند اصل را وا ننهاده و دل به بدل خوش کنند؟ چگونه توانستند دستانی که در دستان مبارک علی

دلایل نادیده گرفتن بیعت بعد از واقعه غدیر

زهره باغبانان

ترفند برخی از مردم سست ایمان باور کردند که خلافت به هیچ گروه خاصی تعلق ندارد. در کنار آن با حذف فضائل امام، فضیلت تراشی برای مخالفان امام، جلوگیری از نشر حدیث و تدوین آن، تهدید و ارعاب مخالفان، تشویق مخالفان و پرداخت رشوه، سانسور خبری و تبلیغات گسترده علیه امام علی(ع) توانستند عوام را نیز به صورت کامل همراه خود کنند. در واقع عوام به خاطر ضعف در ایمان، عدم توانایی در تجزیه و تحلیل مسایل، راحت طلبی و تساهل در امور، دنباله رو خواص شده، از آنها تبعیت نموده و با ابوبکر بیعت کردند. بدینگونه جامعه اسلامی از مسیر حق خارج شد تا آنجا که سید شباب اهل جنه را به عنوان کافر خارجی به شهادت رساندند و مردم به پاس این عملشان در برابر خانواده پیامبر (ص) پایکوبی کردند و بدینسان تشکیل حکومت عدل اسلامی را تا به امروز به تأخیر انداختند.



عدم تحقیقش مدت ها تلاش کرده و با توطئه های پی در پی سعی در نابودی آن داشتند. آنها در مسیر رسیدن به اهداف شوم خود، از توهین به مقام پیامبر که قران درباره او فرموده بود: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (نجم/آیه ۳)؛ و از سر هوس سخن نمی گوید. «گرفته تا کشتن پیامبر (ص) ایابی نداشتند و به این ترتیب رحلت پیامبر(ص) برای آنها موفقیت بزرگی بود. گام دومی که آنها برای غصب خلافت برداشتند، جهت دهی باور مردم بود. آنها برای محقق شدن این امر، ابتدا از طریق جعل حدیث شایعه کردند که پیامبر(ص) فرموده است: نبوت و خلافت در یک جا جمع نمی شود و خداوند نصیب ما اهل بیت را در آخرت قرار داده است. آنها قصد داشتند با احادیث جعلی، پایه های خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) را سست کنند. وبا این

اسلام ایستادگی کرده و دیگر توان مقابله با اسلام را نداشتند، شیوه ای منافقانه برگزیدند و در ظاهر اسلام آوردند همچون ابوسفیان و اطرافیان. در واقع حفظ منافع شخصی (دنیا گرایی) در کنار ضعف ایمان باعث شد اشخاص مشهور، چشم بر روی حقیقت ببندند و به مخالفت و فتنه گری برخیزند. آنها در این مسیر بقدری پیش رفتند که وقتی پیامبر(ص) از آنها خواست قلم و کاغذی بیاورند تا برایشان مطلبی بنویسد و بدین وسیله بعد از اوهرگز گمراه نشوند و اختلاف نکنند، غم با گفتن: «ان الرجل ليهجر، حسبنا كتاب الله: این مرد هذیان می گوید! کتاب خدا ما را کافی است!» مانع از این کار شد. آنچه که امت اسلامی نیاز داشت و پیامبر (ص) بدان تاکید داشتند، همان چیزی بود که تشکیلات منافقین پس از غدیر، برای

یک به یک جلو آمدند و با او بیعت کردند؛ ولایت و امامت او را بر همه ی مسلمانان، از جمله خودشان تبریک گفتند. این حقیقتیست انکارناپذیر که در روز غدیر رخ داد. تاریخ نگاران و محدثین نیز آن را همانند حدیث منزلت، حدیث وصایت و حدیث سفینه به صورت متواتر در کتب معتبر شیعی و سنی نقل کردند، بطوریکه جای هیچ شک و شبهه ای را درباره امامت و ولایت امام علی (ع) برای نسل بشر در هیچ دوره ای از تاریخ باقی نگذاشتند.

اما چه شد که از همان ابتدا به محض پایان واقعه غدیر، بیعت کنندگان با امام، بیعت خویش را نادیده گرفتند؟ برای این امر می توان دلایل متعددی را برشمرد که مهمترین آنها عبارتند از: دنیا گرایی، بی بصیرتی و نداشتن ایمان واقعی. آری، این عوامل باعث شدند تا عوام و خواص از فرمان خدا و پیامبر (ص) تبعیت نکرده و با غفلت تمام، از کنار مسئله ای به این مهمی به راحتی بگذرند.

برخی از افرادی که مسلمان شده بودند، از ایمان عمیق و ریشه داری بهره مند نبودند. چون عده ای از آنها تنها به خاطر منافی که مسلمان شدن برایشان داشت، اسلام را پذیرفته بودند و عده ای چون در اقلیت قرار گرفته بودند، به ناچار مسلمان شدند؛ بعضی دیگر نیز که تا آخرین حد ممکن، در برابر

پی نوشت:
۱. محمد حسین بیات؛ محمد ابراهیم نوری همدانی، واقعه غدیر خم و عوامل تغییر مسیر اصلی آن با تکیه بر آیات و روایات، نشریه سراج منیر، دوره ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۳۳-۵۸

سکوت، فریاد حقیقت است

زهرا صادقی



خداوند اندوهگین نگاه می دارد. به ناچار جامه ی خلافت را رها نموده و از آن کناره گیری کردم؛ چرا که دانستم صبر بر این امر، خردمندانه تر است. پس صبر کردم در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشتم. (چرا که نه می توانستم گمراهی امت را ببینم و نه امکان داشت حرفی بزنم). تنها می دیدم که خلافت را به غارت می برند. (نهج البلاغه، خطبه ۳)

از یک طرف رئیس حکومت به لقاء پروردگار شتافته بود و جامعه ی نوپای اسلامی در معرض تهدید قدرت های بزرگ بود و از طرف دیگر خطر منافقین خوندنمای می نمود. از همین رو حضرت، صبر را خردمندانه تر دانستند و برای حفظ جامعه ی با ارزش اسلامی؛ آن گاه که خواستند اهره بر بطن جامعه بگذارند و آن را تکه تکه کرده و دشمنان را به سیطره بر مسلمین بخوانند، همچون مادر آن طفل از حق خویش گذشتند و حق بودن خویش را با سکوت خود فریاد زدند. در حالی که اگر مدعیان خلافت چون زمان هایی که از قضاوت عاجز می شدند و به حضرت علی علیه السلام پناه می بردند، قضاوت حضرت در باب خلافت را باور داشتند، اکنون مساله ای چون اختلاف شیعه و سنی، بهانه به دست دشمنان نمی داد و وحدت مسلمانان را خدشه دار نمی کرد.

میخ آهنین بر سنگ فرو نرود و چشم و دلی را که وانمود به خواب کند، بیدار نتوان نمود. به همین جهت حضرت علی علیه السلام از حق خویش گذشتند و در وصف اوضاع پیش آمده فرمودند: به خدا سوگند ابوبکر، جامه ی خلافت بر تن نمود، در صورتی که می دانست جایگاه من نسبت به خلافت همانند محور آسیاب به خود آسیاب است که دور آن می چرخد. او می دانست که سیلاب علوم و معارف از سرچشمه من سرازیر می شود و هیچ کس به بلندای مقام من نمی رسد. پس در حالی که در این اندیشه بودم، که حق خویش را به تهایی بگیرم یا در آن فضای تاریک، صبور باشم. صبری که پیرها را فرسوده، جوانان را پیر و مردان مؤمن را تا روز ملاقات

هزاران نفر در غدیر حضور داشتند و با تمهیدات حضرت پیامبر صلوات الله علیه ادعای هیچ کدام مبنی بر نشیندن پیام غدیر، قابل پذیرش نبود اما دیری نپایید که همه از ترس دنیای خود حق را کتمان نمودند و مانع رشد اسلام شدند. بر سر خلافت ادعا شد، یک طرف امیرالمؤمنین علی علیه السلام و طرف دیگر ابوبکر و عمر قرار داشتند. برخلاف دعوی این دو زن، حضرت، بیته به قدر اثبات ارائه نمودند. از دیگر سو حضرت فاطمه سلام الله علیها هر شب دست کودکان خویش را می گرفتند و با رفتن به در خانه ی مهاجر و انصار، خانه به خانه واقعه ی غدیر را برای ایشان بازگو فرموده و خواست خدا و نبی را به ایشان یادآوری می کردند. اما چه می توان کرد که

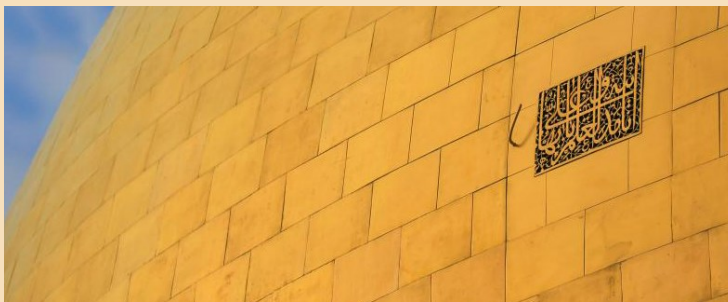
در زمان خلافت عمر، دو زن بر سر مادری یک کودک ادعا داشتند. هر کدام ادعا می کرد بچه از آن اوست و هیچ کدام بیته ای برای اثبات دعوی خویش نداشتند. عمر در قضاوت بازماند و از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کمک نمود. حضرت، زنان را فراخواند و ایشان را پند و موعظه نمود و از عذاب قیامت ترسانید؛ و لیکن هیچ کدام از ادعای خویش دست برنداشتند. سپس حضرت اهره در خواست کردند. زنان گفتند اهره برای چه می خواهید، حضرت فرمودند: قصد دارم کودک را دو نیم کنم و هر کدام را به یکی از شما بدهم. یکی از زنان سکوت نمود و دیگری فریاد زد، تو را به خدا ای ابالحسن، اگر شما چاره ای جز این نداری، من حق خود را به این زن می بخشم. در این حال حضرت فرمودند: الله اکبر، این کودک فرزند این زن است، اگر فرزند زن دیگر بود، آن زن بر کودک رحم و شفقت داشت. آن دیگر نیز پذیرفت که مادر واقعی کودک، زنی است که راضی به آسیب دیدن کودک نشد. (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۱۲)

چه آشنا بود این وضعیت برای مولایی که روزگاری از حق خویش گذشته بود. آن زمان قاضی عادل همچون او، ادعای بر جانشینی پیامبر اکرم صلوات الله علیه را داوری نمی کرد، تا حق در دستان صاحبش قرار گیرد.

غدیر و حکایت گری مظلومیت پیام آور رحمت صلی الله علیه و آله

آزاده ابراهیمی فخاری

پرسشگرانی از موقعیت و جایگاه رسول خدا در میان باران خویش کلید می خورد. مظلومیت حضرت علی (علیه السلام) و دیگر امامان مصوم (علیهم السلام) در بین مردم کاملاً شفاف و واضح است، اما برداشت انسان ها از شخصیت رسول خدا (علی الخصوص به این دلیل که ایشان ده سال، شخصیت اول حکومت در مدینه بودند) شخصیتی مقتدر و دارای اوامر نافذ و مطلع است؛ درحالی که اگر چنین برداشتی صحیح بود آیا از دو لب مبارک آن حضرت، سخنی با این مضمون خارج می شد که: «مَا أَوْدَى نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أَوْدَيْتَ (هیچ پیامبری مثل من اذیت نشد) (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۷)؟؟؟»



گوید: دربراه رسولی که سال ها شاهد مقام و جایگاهش در درگاه الهی و حمایت های پروردگار از او بوده اند؛ مطلبی قابل اغماض نیست. (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۱۱۱، ح ۲۸۸۸)

همچنین سربیزی از فرمان رسول خدا (ص) در قضیه نماز جمعه نیز نص صریح قرآن است. وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الْلَهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (الجمعه/ ۱۱)

از صحابه ای که حتی در تشریح از مقتدای خویش تبعیت ندارند و حاضر به افطار روزه در سفر، با وجود امر صریح رسول نیستند چه توقعی می توان داشت؟ (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۸۵، ح ۱۱۱۴)

بنابراین اتخاذ حداکثری یک موضع از طرف صحابه درباره این مساله، تأثیری در تعیین مقصود رسول خدا نداشته و خدشه ای بر دلالت حدیث غدیر وارد نخواهد کرد. سوی دیگر اشتباه، در تلقی چنین

قرن هاست که شاهد تفاوت در فهم شیعیان و اهل تسنن نسبت به معنای حقیقی کلمه مولا در خطبه غدیر هستیم. عده ای از محققان در هر دو گروه بدون تعصب در صدد کشف مقصود واقعی وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از این واژه هستند و برای دیدگاه مختار خود استدلالاتی بیان کرده اند.

در مقابل کسانی نیز مغرضانه و متعصبانه از عقیده خود دفاع کرده و شبهاتی هرچند بی پایه و اساس مطرح می کنند.

در هر صورت لازم است سوالات مطرح شده، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و پاسخ صحیح و به دور از جانبداری های فرقه ای در دسترس مردم قرار گیرد. یکی از مباحثی که در این زمینه مطرح می شود این است که شک در مقصود گوینده و بحث و جدل درباره آن بعد از گذشت چهارده قرن، امری طبیعی و منطقیست؛ چرا که کلمات چون طفلی در حال رشد و تحول هستند و ممکن است در هر منزلی از مرکب زمان، بار معنایی خاصی داشته باشند؛ اما اگر معنای کلمه مولا و مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به گونه ای باشد که شیعیان بر آن پافشاری دارند؛ چرا صحابه ایشان که در همان زمان زندگی می کردند و تمام قرآن متصله و منفصله کلام را پیش روی خویش داشتند؛ چنین برداشتی از کلام ایشان نداشتند و بعد از وفات پیامبر خلاف آن را عمل کردند؛ آنان که در راه اسلام از بدل جان و مال خویش دریغ نمی کردند و شاکرانی بدون واسطه پیام آور وحی بودند؛ با این وجود، بیعت با کسی غیر از آنکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر

بیشتر نباشد کمتر به نظر نمی رسد. بنابراین در پاسخ به این شبهه مراجعه مختصر به وقایع تاریخی ما را کفایت می کند. اگر ذهنیت چنین پرسشگرانی نسبت به تاریخ اصلاح گردد به هیچ عنوان این گونه شبهات در بین آن ها جایگاهی نخواهد داشت؛ چه رسد به این که باعث تزلزل در عقیده و ایجاد تردید درباره غرض اصلی پیامبر در واقعه غدیر گردد.

احوال دنیا در روز غدیر

زهره نوروزی اصفهانی

فرشتگان با آنان روبرو می شوند و می گویند: بهشت گوارایتان باد!

دنیا، همچنان شاهدِ همجواری علی علیه السلام و پیامبر بود و پیامبر به پشتیبانی پروردگار همچنان دستان علی علیه السلام را سر دست گرفته بود و با رساترین لحن، برای دنیای چشم انتظار، خطبه می خواند: *مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَاتِهِ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوْجَهُ وَ لَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا أَخِذُ يَدِهِ وَ مَصْغَبُهُ إِلَيَّ وَ شَاتِلُ بَعْضِهِ (وَ رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مُعَلِّمُكُمْ: أَن مَنِ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي، وَ مَوْلَاتِهِ مِن اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ، أَي مَرَدٍ! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر آیات محکم آن بنگرید و از متشابهاتش پیروی ننمایید. به خدا سوگند که هرگز کسی برای شما نواهی قرآن و تفسیر آن را آشکار نمی کند، مگر همین کسی که دستش را گرفته و بالا آورده ام و به شما اعلام می دارم: هر آن که من مولا و سرپرست او هستم، این علی مولا و صاحب اختیار اوست و او علی بن ابیطالب، برادر و وصی من است و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من نازل شده است.*

دنیا، در آن لحظات، خود را نجات یافته می دید. دلش می خواست پوسته های حقارت و خفت را از تن بشکافد. سکوت را بشکند و با تفاخر بگوید: من دیگر تاریک و بی کس نیستم. من منور به چراغ ولایتیم. من آنچنان به ولی متصف و متصل شده ام که او همه ی اوامر و نواهی و برکات معنوی و اکرام و بهشت و رضوان الهی ام را تدبیر خواهد کرد.

آری، دنیای مزین به ولایت علی بن ابیطالب، پوسته ی خود را شکافت. لباس عید به تن کرد، با قامتی راست، درحالی که به وسیع ترین آفرینش خود دست یافته بود، طوری که می توانست گیتی را در آغوش بکشد و با شفع و خشنودی بگوید: *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام.*

منابع:

قرآن کریم.

خطبه ی حضرت رسول در روز غدیر.

میزان الحکمه.

ترجمه ی تفسیر المیزان.



بدون ترس از سقوط در چاه سیاه سرگردانی. زیرا هراس از تاریکی و سقوط، تنها وقتی به دل راه می یابد که چراغی در کار نباشد. حالا جبرئیل آمده است و با خود چراغ آورده، چراغی که مسئولیت روشن ماندنش، با فاتح خیبر است...

الا ان اوليا الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون، علی علیه السلام، در روزهایی پس از واقعه ی غدیر، این آیه را تلاوت کرد. عده ای در اطرافش نشسته بودند. او که تشنه ی شنیدن سوالی از جانب مردم بود (مردمی که مهر غفلت بر پیشانی داشتند) خود پرسشگرانه پرسید: می دانید اولیاء الله چه کسانی هستند؟

چهره هاشان داد می زد: این ها نمی دانند. گفتند: چه کسانی هستند یا امیر المومنین؟ امام که مفسر کلام خداست فرمود: «آنان، ما و پیروان ما هستند. پس هر که بعد از ما از ما پیروی کند خوشا به حال ما و خوش تر به حال آنان!»

پیچ پیچ در میانشان بالا گرفت. نگاه پاسخگو و مهربان امام را دیدند و سوالهایی در گوشی خود را به امام عرضه کردند: ای امیر المومنین! چرا خوشا به حال ما و خوش تر به حال آنان؟ مگر نه این است که ما و آنان هر دو در یک راهیم؟

امام، نگاه نافذی به جمعیشان انداخت. بعد سر مبارکش را به زیر افکند. مثل آب جاری و گوارایی که در بطن زمین فرو می رود در خود فرو رفت. چشمانش را بست و آرام گفت: «نه، زیرا آنان باری را بر دوش می کشند که شما نکشیده اید و چیزهایی را تحمل می کنند که شما تحمل نکرده اید.»

پیامبر، خطبه می خواند و اینگونه زنجیر از دست و پای دنیا گسیخته، سکنینه و سکوتی بی سابقه در رگهایش جریان می گرفت. جبرئیل، برای دنیا، حکم سرفرازی آورده بود، حکم نجات، حکم عاقبت به خیری و پیامبر آن را با صدایی رسا در غدیر می خواند و حاجیان حاضر و گذشته و آینده را شاهد می گرفت: *إِلَّا إِنْ جِبْرِيْلُ خَيْرُنِي عِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي، (وَ لَنْتَظِرَ نَفْسَ*

پارچه ای از جنس سکوت، عایق وار، پیکر دنیا را فرا گرفت. اصلا سرشت دنیا چگونه است؟ پاسخ، تامل بسیار لازم ندارد. دنیا، بازیچه ای کودکانه است با تاریخ مصرفی کوتاه مدت و متاعی ناچیز. این را همه می دانند.

آنچه دنیا را با تب و تاب بچه گانه اش، وادار به سکوت می کرد؛ رشد درختی شاداب و تناور بر زمین دنیا بود تا مسافران و رهگذران خسته ی دنیا، لحظاتی را در سایه سار آن بنشینند و به آسایش برسند. درختی به نام ولایت.

دنیا در حال انتظار، به جاده ی بیکران آفرینش چشم دوخته بود، خاموش گوشه ای نشسته بود و می دانست که امروز جبرئیل می آید و سینه ی او را فرودگاه وحی می کند و از دنیا تجارتخانه ای می سازد برای سوداگری اولیای خدا. عجب صبری می طلبد این چشم انتظاری!

دنیا که با چشمان خود، پیشانی خون آلود و دندان شکسته ی پیامبر را در دوران رسالتش دیده بود و دنیا که با گوش های خود، صدای سایش دندان لجاجت کفار را شنیده و سنگینی قلب اندوهگین پیامبر را تاب آورده و نیز شاهد و گواه دلگرمی های پروردگار به پیامبر خود بود آنجا که می فرمود: *لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ* حالا در چهار دیواری سکوت، از چهار چوب پنجره ی انتظار، به انتهای دالان تاریک زمین خیره شده، تا جبرئیل چراغ بیاورد، چراغی برای نور افشانی.

سرانجام نغمه ی جبرئیل طنین انداز شد و از گلوی پیامبر با ارتعاش تارهای صوتی آرامش بخشش بر هستی نور پاشید و دنیا همچنان گواه گونه و بی هیاهو به آخرین و کامل کننده ترین ابلاغ پیامبر گوش جان سپرده بود: *يَا أَيُّهَا الرِّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛* ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از گزند مردم نگاه می دارد. قطعاً خداوند کافران را هدایت نمی کند.

پیامبر، روز غدیر را به مثابه ی منبع نوری در روزهای تاریک روزگار، به دنیا بشارت داد و یادآور شد که تنها علی (علیه السلام) است که گرد تاریکی و جهالت را به واسطه ی شفافیت علمش از چهره ی دنیا می زداید.

دنیا، باز در سکوت، لبخند مسرت بخشی زد. به این امید که از این پس، روزهای پر نشاط تری پیش رو خواهد داشت، مصون از جدال، بی خون ریزی،

ندای آسمانی

فربیا حقیقی

گرفت و اهل بیت را تکمیل کرد و چشم جهان را به آمدن موعودش روشن نمود. چشمه ی غدیر می چو شد. فریاد رسای رسول بالا می رود و به آسمانها می رسد: یا معشر المسلمین لیبلغ الشاهد الغائب، اوصی من آمن بی و صدقنی بولیة علی، الا ان ولیة علی ولایتی و ولایتی ولیه ربی، عهدا عهدا الی ربی و امرنی ان ابغکموه. ای مسلمانان! حاضران به غایبان برسازند: کسی را که به من ایمان آورده و مرا تصدیق کرده است، به ولایت علی سفارش می کنم، آگاه باشید ولایت علی، ولایت من است و ولایت من، ولایت خدای من است. این عهد و پیمانی بود از طرف پروردگرم که فرمانم داد تا به شما برسانم. (بحارالانوار ج ۳۷ ص ۱۴۱، ح ۳۵)

در غدیر نوبی آسمانی که ملائک حامل آنند از گلولی مردی آسمانی برای هدایت زمینیان به فریادی جاوید مبدل گشت و داعیه ی نابودی و ناکامی اسلام را برای ابد به سراب تبدیل کرد.



بار امانت بردوش می کشد، باری که حتی آسمان هم نتوانست بر دوش گیرد. آری علی علیه السلام دروازه ی تمام علوم هستی و قوت قلب رسول خداست. از کودکی با نوای پیامبر مانوس بود و تنها یاور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان اقوام. وقتی نمازش را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اقتدا می کرد هیچ باکی از سرزنش و تهدید مشرکان به دل راه نمی داد.

این چه امر مهمیست که همه باید جمع شوند تا بیان شود؟ کلام شیرین حق، مهمان قلب پیامبر بود و رسول خدا به فرخندگی و بقای دینش خوشنود. اما از همان لحظه ی ثبت شده در تاریخ بشریت، شاهدان به ظاهر مسلمان در گوشه ای کز کرده؛ برای فرداهای نیامده توطئه می کنند و نشانه گرفته اند تمام هست و نیست اسلام ناب را و اینجاست که نویدی جانبخش زمزمه می کند: بدالله فوق ایدیهیم

سخت ترین شب برای اسلام را با پوشیدن چلچراغ ولایت تا ابد روشن شد و امانتی شد برای اهل ولایت...

ردای منجی بشریت به آرامش صبح کرد. یگانه دختر خاتم پیامبران خدا را به همسری

در غدیر صدای خدا بر روی زمین می ماند تا ابد و علی (علیه السلام) غدیری می شود؛

“ اتمام واکمال، آن هم در مورد دین و بر دستان مردی از تبار حق. چشمه ی غدیر شاهد تحقق امری الهی برای مسلمانان یکتاپرست بود. دستها بالا می رفت و آذرخش حسادت در قلب های حسودان فرو. کجای این چشمه را با بدعهدی سیراب کردند که آن حسودان چون شوکران رویدند و به نابودی دین و فناء آخرت برخاستند؟

لاسیف آن مرد راه کافران و مسلمانان شنیدند اما چگونه دین را به دنیا وانهادند؟ تپیدن قلبی عاشق، در بستری که هدف تیغ های آخته بود را به وضوح دیدند و در تاریخ ثبت نمودند اما درعجم از این جماعت ناسی! همگان می دیدند که گاه فریاد حق در قدمهای استوارش به گوش می رسد و گاه در شمشیر تیز و برآنس... رفته با بازگردند، مانده ها تعجیل... چرا که پیامی بسیار مهم از آسمان نازل شده و باید به گوش همه برسد. آشوب و غوغایی بر جمعیت غالب است.

غدیر، چشمه ی حیات

مریم اسحاقیان

قصه ی غیبت هزار ساله ی فرزندش مهدی!

چه اندکند یاران و حامیان علی! علی راز دل با که بگوید؟ شکفتا که در ظلمت شب، چاه می شود گوش شنوا برای رازهای نهان علی! چه بگویم از مظلومیت علی که میراثش به تاراج رفته! چه بگویم از علی که چشمش خار بود و گلویش مالامال از عقده (نهج البلاغه/ خطبه ی شقیه) چه بگویم از علی که سکوتش چون رجزخوانیش در میدان نبرد برای اسلام بود و بس! و چه بهشتی در زمین بر پا شد، آنگاه که پس از بیست و پنج سال بر مسند حکومت نشست و عدالت را تا زمان رستگارش در محراب شهادت، ساری و جاری نمود.

سلام بر امیر المومنین علی علیه السلام!

سلام بر قرآن ناطق!

سلام بر دین تحریف ناپذیر خدا!

و سلام بر آن روزی که عطر عدالت مهدوی کوچه های پس کوچه های دلتنگی را پر می کند!



دلهايشان ماوا کرده بود که چشمانشان را به روی حقیقت بستند و خلافت علوی را غصب کردند. اصحاب سقیفه چنان بلوایی به پا کردند که ثمره ی آن نه محدود به آن زمان، بلکه موثر در همه ی زمانها بود و این غصب، طی قرون متمادی آنچنان ضربه ای بر پیکره ی اسلام وارد کرد که زبان و قلم عاجز از وصف آن است.

اینجا نقطه ی آغازی شد برای قصه ی سکوت و تنهایی علی، سکوتی ۲۵ ساله! شروع قصه ی فدک و حق طلبی فاطمه! قصه ی درب سوخته و پهلوی شکسته! قصه ی جام زهرآگین!

قصه ی کربلا و سرهای بریده!

“ غدیر نامی پرآوازه و آشنا در وادی خم، چشمه ی حیاتیست که تشنگان حقیقت در کنار آن از آبی زلال، حبّ ولایت و امامت نوشیدند و در سایه سار شجره ی طیبه ی نبوت و امامت از ثمره ی آن غرق نعمت شدند.

غدیر فراتر از ظرف مکانی، تداعی کننده ی رویدادی عظیم در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام است.

هنگامه ای که ندای جبرئیل در گستره ی آسمان طنین انداز شد: یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ انْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلِّغْتَ رِسَالَتَهُ... و این دستان علی بود که برید بیضای پیامبر قرار گرفت و چشمها را همه خیره کرد.

اینک زمان تبلور نور نبوی در ولایت علویست برای اتمام رسالت پیامبربانگ هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست بلند شد و غدیر شد روزی برای اکمال دین و اتمام نعمت.

غدیر شد یکی از استوارترین براهین حقانیت ولایت و امامت علی علیه السلام و فرزنداناش.

عجبا، که سخن نبی را زمین نهداند و حق را کتمان کردند! حب جاه و مقام چنان در

پدر امت

ریحانه علی عسکری

من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين (۲مآئده/سوره ۵، آیه ۶۷)
یعنی در روز غدیر به مردم بگو که امام بعد از من که قرار است جامعه رو هدایت کند کیست.

و آن قدر مهم هست که می گوید اگر این کار را انجام ندهی رسالت را انجام نداده ای. آن وقت یک عده آدم بعد از مرگ پیامبر حرفش را گوش نمی کنند و شورا تشکیل می دهند و خودشان یک نفر را انتخاب می کنند.

نتیجه اش می شود انتخاب فردی که خدا انتخابش نکرده؛ معصوم نیست و حالا مردم باید حرف کسی را گوش بدهند که خودش گناه می کند و به دیگران می گوید گناه نکن.

جالب این جاست که خود اهل سنت هم قبول دارند که خلیفه هایشان غیر از حضرت علی(ع) گناه هم انجام می داده اند.

بخاطر همین است که تو برایت سنگین است حرف پدر و مادرت را گوش بدهی با این که می دانی صلاحیت را می خواهند.

اگر آن ها خودشان اهل عمل بودند، گوش دادن به حرفشان برایت آسان تر نبود؟

دختر که بحث برایش جالب تر شده بود گفت:

بله معلم گفت پس توهم حرف خدا و پیامبر معصومت را گوش بده.

پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) امر کرده اند جلوی نامحرم این طور برخورد کن همان کار را بکن و گفته اند حرف پدر و مادرت را گوش کن، تو هم از آنها تبعیت کن.

آری، امامان ما معصوم هستند؛ چون از طرف خدا انتخاب شدند بنابراین راحت تر می توانی حرفشان را گوش کنی و پذیرش کلامشان برایت آسان تر است.



دختر که بحث برایش جالب شده بود جواب داد:

نه اصلا، وقتی خودشان به کاری که می گویند عمل نمی کنند چرا از من انتظار دارند. خودشان دروغ می گویند فقط کافیتست من

یک بار دروغ بگویم پوستم را می کنند. اگر کاری بد است چرا خودشان انجام می دهند اگر نه، چرا مرا نمی می کنند.

معلم که به هدفش رسیده بود گفت: حرفت درست است، در مورد امام و رهبر جامعه هم قضیه به همین شکل است.

اگر کسی که از طرف خدا می آید و برای ما امر و نهی خدا را می آورد خودش به حرف خداوند عمل نکند کسی حرفش رو گوش نمی دهد. علاوه بر این امام الگوی جامعه

است اگر خودش عمل نکند، مردم هم به او نگاه می کنند و می گویند خودش که عمل نمی کند پس حتما واجب نبوده یا او که فلان کار را انجام داده پس حتما حرام نیست؛ ما هم انجام بدهیم اشکال ندارد.

این که چه کسی گناهکار است چه کسی نیست را آدم ها نمی توانند تشخیص دهند؛ تشخیصش با کسی است که از آدم ها بالاتر باشد یعنی خود خدا. به همین دلیل خداوند از طریق فرستاده قبلی اش اعلام می کند که نفر بعدی چه کسی باید باشد.

خدا در قرآن به پیامبر دستور می دهد: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک

عکس جوانی مادرش را از زیر کتابش بیرون آورد. دختری با دامن مشکی و لباس سفید با صورتی که به طرز ناشایسته ای آرایش شده بود. آن را به معلمش نشان داد و گفت: نگاه کنید خانم!

این عکسیست که قبلا گفتیم. مادر من زمانی که همسن من بوده آرایش می کرده، الان هم آرایش می کند اما به من می گوید تو سنت برای این کارها کم است، بگذار برای وقتی که بزرگتر شدی؛ مگر سن الان من، با سن توی عکس چقدر فرق می کند؟

چرا همه چیز برای خودشان خوب است، به ما که می رسد می شود بد؟! معلم عکس را از دست دختر می گیرد و نگاهی به آن می اندازد:

حرف دختر درست است. اما نمی داند چه بگوید که هم حقیقت را گفته باشد و هم شخصیت مادر را مقابل دختر پایین نیآورده باشد.

دختر این بار کاغذی را از بین کتابش بیرون می آورد و می گوید:

این کارنامه پدرم است نمره هایش را ببینید اصلا درس نمی خوانده ولی بخاطر درس نخواندن، ما را جریمه و توبیخ می کند.

معلم با نگاهی به کارنامه پدر، سری از روی تاسف تکان می دهد.

دختر در سنی نبود که بتوان به اصطلاح سرش را شیره مالید. سال های آخر دبیرستان را می گذراند و این طور که پیدا بود هیچ علاقه ای به گوش کردن امر و نهی های پدر و مادرش نداشت.

پدرت تو را سفارش به کاری می کند که خودش آن را انجام نمی داده مثل درس خواندن، که خودش نخوانده اما حالا می خواهد تو را بخاطرش جریمه و تنبیه کند.

یا مادرت تو را از کاری نهی می کند و می خواهد تو آن را انجام ندهی در حالی که خودش آن را انجام می داده و هنوز هم انجام می دهد، تو اصلا انگیزه ای برای انجام کارهایی که آن ها به آن امر می کنند

یا از آن نهی می کنند داری؟

به هدف منسجم نویسی، تعمیق بخشیدن به نگاه طلاب در موضوعات اجتماعی، ارائه ی حرف و دغدغه ی طلاب در قالبهای نوشتاری، ادبیات زدایی و احساسات زدایی از نوشته ها و تبدیل آنها به نوشته های ارزشی، تمیز قائل شدن بین ساده نویسی و سطحی نویسی، تقویت قدرت نقد در طلاب برای جلوگیری از بیمار نمودن ذائقه های مخاطبین توسط نوشته های ضعیف از مهمترین اهداف این گروه است.

صربور با افتخار از طلاب اهل قلم برای عضویت در گروه استقبال می کند.

گروه تبلیغ نوین صربور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان با رویکرد پرورش تفکر نقادانه و تحلیل گرایانه در امر جهت دهی به طلاب اهل قلم و فعالان ادبی حوزه بیش از دو سال است که در زمینه نویسنده گی در حال فعالیت است.

صربور با هدف مأنوس کردن بیشتر طلاب به نشر علمی به ابلاغ معارف الهی از طریق نگارش می پردازد.

مجال دادن به هنر مکتوب در کنار سنت شفاهی، توسعه فرهنگ نوشتاری و بهینه سازی قلم در بین طلاب اهل قلم، دور نمودن طلاب مبلغ از آشفته نویسی، منسجم کردن ذهن و اندیشه برای رسیدن

درباره گروه نویسندگی صربور



پادکست

برای دریافت بر روی نشانک‌ها کلیک و یا آدرس را وارد نمایید.



مقصود از کلمه مولا در حدیث غدیر | جواد حیدری (کارشناس مرکز ملی پاسخگویی) | ۳ دقیقه | dte.bz/gh1



غدیر عامل وحدت | مهدی وزنه (کارشناس مرکز ملی پاسخگویی) | ۳ دقیقه | dte.bz/gh2



علل انکار غدیر بعد از نبی مکرم اسلام | جواد حیدری (کارشناس مرکز ملی پاسخگویی) | ۲ دقیقه | dte.bz/gh3



شاهدان غدیر | علی نعمتی (کارشناس پاسخگویی مجموعه انصار العقیده) | ۴ دقیقه | dte.bz/gh4



شأن نزول آیه ابلاغ و آیه اکمال | سید علی نورانی (کارشناس پاسخگویی مجموعه الغدیر) | ۴ دقیقه | dte.bz/gh5



حدیث غدیر و شکایت جیش یمن | علی نعمتی (کارشناس پاسخگویی مجموعه انصار العقیده) | ۳ دقیقه | dte.bz/gh6



تواتر حدیث غدیر | محمد کلهری (کارشناس پاسخگویی مجموعه ندای شیعه) | ۳ دقیقه | dte.bz/gh7



تبیین واقعه ی غدیر | محمد کلهری (کارشناس پاسخگویی مجموعه ندای شیعه) | ۴ دقیقه | dte.bz/gh8



استناد ائمه معصومین علیهم السلام به غدیر | سید علی نورانی (کارشناس پاسخگویی مجموعه الغدیر) | ۳ دقیقه | dte.bz/gh9



احتجاج به واقعه غدیر | محمد کلهری (کارشناس پاسخگویی مجموعه ندای شیعه) | ۲ دقیقه | dte.bz/gh10

ایوان نجف عجب‌صفا دارد...

● همه بر سفره علی (ع) می‌نایم ●

کاری از گروه نویسندگی سریر
و گروه فرهنگی تبلیغی پاسخگو
زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان



سرمدبیر: زهرا ابراهیمی

عکس: خانه طراحان انقلاب اسلامی و خبرگزاری ابنا

طراح و صفحه آرا: مؤسسه فرهنگی هنری عصاره

www.Osareh.blog.ir

